

رسم شان مهربانی است

● گزارشی از فعالیت های زوج خیری که در مازندران محبوب اهالی اند؛ از مدرسه سازی تا ورود به مسائل درمان و احداث پایگاه انتقال خون

لیلا مهداد خوشحالی دیگران لبخند بر لبان شان می آورد. باورشان بر همدلی است و دوست داشتن دیگران. مهم نیست کار کوچکی باشد یا پروژه ای بزرگ، مهم گام خیری است که برداشته می شود. رویه ای که سرلوحه زندگی این زوج شده. بیست سال پیش کارهای ساختمانی را در «نور» شروع کردند و حالا سه سال است که بیشتر وقت و زندگی شان را در همین شهرند. تقریباً اینجایی شدیم و خودمان را از اهالی اینجا می دانیم. شاید برای همین است هر کاری از دست شان برمی آید برای اهالی انجام می دهند. از جاده سازی و رفع مشکلات برق منطقه تا آزادی زندانی و ساختن پایگاه انتقال خون و راه اندازی بخش دیالیز تنها بیمارستان شهر. «حریرچی» این همه مهربانی را وظیفه خودشان می داند. «ما وظیفه خودمان می دانیم منشأ خیری باشیم برای منطقه.»

بیست سال فعالیت در منطقه ثابت کرده اینجا با کمبودهای بسیاری دست به گریبان است. به باور «حریرچی» به تناسب رشد جمعیتی و ساخت وسازهایی که شده، زیرساخت ها رشد چندانی در این شهر نداشتند. برای همین کمبودها و حال بد، سلامت منطقه است که این زوج تصمیم به احداث ساختمان انتقال خون و راه اندازی بخش دیالیز گرفته اند.

باورشان در کارهای خیر این است که اقدام و شروع آن مهم است بقیه راه را خدا هموار می کند. «در همه این سال ها باورمان این بوده و بارها و بارها با تمام وجود احساسش کردیم. مشکلات مسیر معجزه وار حل می شوند.» حالا همت این زوج «نور» را صاحب پایگاه انتقال خون کرده؛ ساختمانی زیبا و خوش نقشه با آجرهای سرخ ساختمانی که صدروزه قد کشید و رسید به روز افتتاحیه.

رکوردی جدید؛ ساختن پایگاه انتقال خون در ۱۰۰ روز

«مهرگان» سال هاست کمک حال کارهای عمرانی منطقه است و از هیچ تلاشی دریغ نمی کند. به رسم گذشته این بار هم تصمیم به چنین کاری گرفت. «حریرچی» شروع کار را مربوط به جلسه با فرمانداری داد. جلسه ای برای نیازسنجی شهر و اولویت هایی که باید مدنظر قرار می گرفت. «با فرماندار جلسه ای داشتیم که چند موضوع مطرح شد. یکی از آنها پایگاه انتقال خون بود.» نتیجه جلسه هم شروع ساخت مرکز انتقال خون می شود. ساختمانی که قرار شد صدروزه قد بکشد. «سازمان انتقال خون براساس نیاز و کارکرد این مرکز، به ما نقشه داد.» ظرافت، جزئیات و معماری بنا هم البته به «مهرگان» سپرده می شود.

سازمان انتقال خون نیاز به ساختمانی یک طبقه داشت برای رتق و فتق امور «نور». اما «مهرگان» آینده را هم می دید، روزگاری که شاید نیاز شود به ساختن طبقه دیگر برای سهولت در کارها. «اسکلت و فوندانسیون ساختمان را برای دو طبقه در نظر گرفتیم.»

پایگاه انتقال خون و دیالیز؛ دغدغه سلامت اهالی

قول و قرارشان ساختن پایگاه انتقال خون طی سه ماه بود؛ رکوردی باورنکردنی که دوست داشتند به ثبت برسد. مهندسان شرکت پای کار آمدند. پی ساختمان کنده شد و مصالح گوشه و کنار زمین پهن شدند برای بالا رفتن دیوارها و نشستن سقف روی ستون های پایگاه. کارشان سخت بود، اما هدف بزرگ به آنها انرژی می داد. هشت اکیب پیمانکاری کنار مهندسان قرار گرفتند برای اتمام کار سر موعد سه ماه.



«بچه ها شب و روز کار می کردند. حتی روزهای تعطیل هم پای کار بودند تا مبادا کاری عقب بیفتد.» کرونا همه گیر بود و تعدادی از مهندسان را درگیر کرد؛ بیست روز سختی که کرونا آنها را خانه نشین کرد. «با وجود کرونا و درگیری بیست روزه بچه ها کار سر زمان مشخص تمام شد.» نماینده کارفرما در این پروژه خدایار سالار است. او از حدود سه میلیارد تومان هزینه ساختن پایگاه انتقال خون می گوید که توسط این مجموعه تقبل شده. «بعضی روزها بیست و چهار ساعته کار می کردیم.» به گفته سالار در جلسه ای که همان روزهای ابتدایی برگزار شد، گرفتن مجوزهای لازم را فرماندار عهده دار شد و سهم «مهرگان» هم از صفر تا صد کارهای اجرایی. «از آنجایی که

در حال حاضر موضوع اصلی این روزها سلامت است به حوزه سلامت ورود کردیم.» سالار سال هاست با «مهرگان» همکاری دارد از همان دوران دانشجویی. او از کارهای خیرخواهانه دیگر «زمان حریرچی» و «محسن راودمند» با خبر است. از دادن جهیزیه به دختران، آزادی زندانیان، ساختن مدرسه و همه موضوعات اجتماعی که دغدغه این زوج است. «همه کارها در کنار هم و با مدیریت خانم حریرچی خیلی خوب و منظم پیش می رود.» به گفته سالار اغلب کارهای خیرخواهانه این زوج مخفی و در خفا صورت می گیرد. «موضوع پایگاه انتقال خون و راه اندازی بخش دیالیز به دلیل رسانه ای شدن علنی شدند.»

دورهمی برای قدرانی

پایگاه انتقال خون «نور» به همت «مهرگان» افتتاح شد. پایگاهی که عنوان چهارمین مرکز انتقال خون خیرساز را در استان مازندران به نام خود ثبت کرد. قبل از این سه پایگاه دیگر به همت خیرین در این استان احداث و به بهره برداری رسیده است. افتتاحیه این پایگاه میزبان ولی الله فرزانه نماینده نور و محمود آبادی و پیمان عشقی مدیرعامل انتقال خون کشور بود.

مرکز انتقال خون «نور» به همت «مهرگان» طی ۱۰۰ روز به بهره برداری رسید. این مرکز به همت مهندسان «مهرگان» و با کار شبانه روزی سر موعد به افتتاحیه رسید. هرچند «مهرگان» برای رقم خوردن این اتفاق حدود سه میلیارد

آزادی بخشیدن؛ نیت و آرزوی قدیمی

«مهرگان» حواسش به مردان و زنان پشت میله ها هم هست. مردان و زنانی که هر ماه، نام شان روی برگه ای به واسطه پلیس می رسد به دست «زمان حریرچی»؛ مادر «مهرگان». هدف شان آزادی آنهاست. مردان و زنانی که فقر و نداری میله های زندان را گره زده به سرنوشت شان. «سرکارمان با زندانیان مالی است.» آزادی زندانیان محدود به «نور»، «رویان» و «مازندران نیست.» «مهرگان» حواسش به کمی آن طرف تر از «نور» و «رویان» است حتی در تهران. اگر مردی حبس شود پشت میله ها و جرمش محدود شود به نداری، «مهرگان» می رود در پی آزادی اش. «پرونده های ارجاعی توسط وکیل شرکت بررسی و پیگیری می شود.» قصه آزادی بخشیدن به مردان حبس آرزو و نیتی است مربوط به سال های دور پدر شرکت؛ «محسن راودمند».

مدرسه سازی؛ نذری که ادا شد

مدرسه سازی «مهرگان» به ماجرای تلخ تصادف یکی از اعضای این خانواده برمی گردد. اولین مدرسه در پیشوای ورامین پا گرفت؛ مدرسه تربیت بدنی دخترانه که با نام پدر بزرگ ثبت شد؛ محمد راودمند. «بزرگ ترین مدرسه ای بود که ساختیم.» اصرار داشتند که مدرسه مختص دختران باشد. دخترگانی که اغلب راه دور مانع تحصیل شان بود. مدرسه تربیت بدنی هم به این دلیل که مادران آینده از نظر جسمانی سلامت باشند. «خدا را شکر امسال ۲۱ قبولی کنکور داشتیم. خیلی خوشحال شدیم.» بیش از یک دهه از ساخت مدرسه می گذرد و هنوز ارتباط دختران و «زمان حریرچی» قطع نشده. «هنوز تنگاتنگ با هم در ارتباطیم.» دختران قدران مهربانی ها هستند و هر بار مقام های ورزشی که ثبت می کنند این قدردانی را به رخ می کشند. «امسال بازسازی مدرسه را انجام دادیم.» مدیر مدرسه حواسش به خانواده دختران هم هست تا مبادا فقر یا بیماری یکی از اعضای خانواده مانع تحصیل دختران نباشد. «در حد توان به خانواده دانش آموزان توجه داریم.» کمک هایی که از توزیع بسته های غذایی شروع می شوند تا خدمات درمانی و پزشکی. دومین مدرسه در اسلامشهر جا خوش کرده؛ مدرسه شهید همت. مدرسه سوم هم به همت «مهرگان» در روستایی نرسیده به میناب قد کشیده برای آموزش بچه ها. «همه اینها به لطف خدا بوده.»

رفاقت با بهزیستی؛ همتی برای بهزیستن دیگران

سه سالی است خانواده «راودمند» مازندران شده اند؛ از وقتی تصمیم گرفتند در کنار کار بیست ساله شان در مازندران زندگی هم کنند. «سه سالی است خانه مان را هم اینجا آوردیم و همین جازندگی می کنیم.» اما از سال های دور حواس شان به بهزیستی مازندران بوده، ارتباطی قدیمی با هم دارند. «مهرگان» در واقع حواسش به حال و روز آدم هایی است که زندگی با آنها سرناسازگاری داشته. به باور «حریرچی» بهزیستی منطقه کمبودهای زیادی دارد. «مادر حد توان کمک می کنیم.» نوسان برق و تیربوق های قدیمی در دروس وزارت نیرو شده بود در همه این سال ها. «به کمک ما تمام تیرها و پست های برق تقویت شدند.» به گفته «حریرچی» رفع مشکل برق سایت هزینه سنگینی برای شرکت در پی داشته تا مشکل نوسات برق منطقه حل شود. باورشان این است هر مشکل منطقه، مشکل آنهاست و برای زندگی بهتر همه باید کوشید.



تومان هزینه کرد. در افتتاحیه این مرکز از «زمان حریرچی» و «محسن راودمند» به عنوان خیرین این کار قدردانی شد. خیرینی که پیش از این هم با هزینه حدود چهار میلیارد تومانی بخش دیالیز نور راه اندازی کرده بودند.

خون های اهدایی ایرانیان جزو سالم ترین های جهان

پیمان عشقی، مدیرعامل انتقال خون کشور در حاشیه افتتاحیه پایگاه انتقال خون «نور» از این سازمان و مشکلات و دستاوردهایش گفت

یکی از راهکارها راه اندازی مراکز سیار انتقال خون می داند، رویه ای که در هلند و فرانسه مرسوم است. عشقی به بانک سلول های بنیادین هم اشاره ای دارد. بانکی که در کشوری مانند آلمان ۲ میلیون اهدا را به خود می بیند و در ایران به ۵۰ هزار می رسد. نمونه هایی که خریدش از کشورهای دیگر برای سازمان انتقال خون ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار دلار تمام می شود.

سازمان انتقال خون؛ سازمان مورد اعتماد مردم

مدیرعامل انتقال خون این سازمان را ملی و فراجناحی می داند. سازمانی که در همه سال های فعالیتش اعتماد مردم را جلب کرده و پایگاه اجتماعی خوبی میان شهروندان دارد. او می گوید: «مردم به انتقال خون اعتماد دارند.» عشقی اشاره ای به ناآرامی های خوزستان می کند. دوره ای که در مقایسه با سال ۹۹ و اهدای خون ۳۰ درصد رشد را در این استان تجربه کرده بود. او ادامه می دهد: «فراخوان های سازمان هر بار با استقبال روبه رو می شود.» عشقی از شبکه خونرسانی سازمان می گوید. شبکه ای که مانند عروق قلب عمل می کنند و در کمتر از ۲۴ ساعت به استان های مختلف خون می رسانند. عشقی، انتقال خون ایران را یک افتخار می داند. سازمانی که تمامی خدماتش را به پشتوانه ۴ هزار و ۵۰۰ پرسنل مدیریت می کند. به گفته او شاخص های خون اهدایی ایران در آسیا جزو بهترین هاست. او ادامه می دهد: «شاخص های ما در حد کشورهای توسعه یافته است.» خون های اهدایی ایران از منظر کیفی هم جزو سالم ترین هاست، در حد کشورهای اروپایی و آمریکایی. به گفته عشقی «ایران» تنها کشور مسلمان عضو شبکه جهانی خون های نادر است در میان ۲۹ کشور عضو.

می داند. «تمام رشته های پزشکی به خون و فرآورده های آن وابسته اند.» به باور او خون مصرفی گسترده دارد، چون بالاتر از ۶ یا ۷ میلیون فرآورده خونی تولید می شود. شاید برای همین است سازمان انتقال خون سازمان حیاتی وزارت بهداشت از منظر پدافند غیرعامل است. هرچند به باور عشقی سازمان انتقال خون سازمان مظلومی است.

سازمان انتقال خون نیازمند معاونت فرهنگی

مدیرعامل انتقال خون کشور اولین مظلومیت سازمان را در نادیده گرفتنش در دروس دانشگاهی می داند. به این معنا که هنوز بعد از سال ها فعالیت سازمان انتقال خون هنوز واحد درسی به این نام در دانشگاه ها تدریس نمی شود. هرچند به باور عشقی بعد از همه گیری کووید-۱۹ این مظلومیت نمود بیشتری یافت. او می گوید: «بعد از همه گیری تمام توجه ها در جهان به خون برگشت، اما یک ریال از اعتبارات کرونا شامل حال سازمان انتقال خون نشد.» عشقی گریزی به روزها و ماه های ابتدایی همه گیری کووید-۱۹ می زند و از کمبود ماسک می گوید. «کمبود وزارتتی بود، اما ما با مردم سروکار داشتیم و موظف بودیم به مردم ماسک تحویل دهیم.» به اعتقاد او بیمارستان ها به مردم خدمات ارایه می کنند، اما سازمان انتقال خون هم ارایه دهنده خدمات است، هم گیرند خدمت. عشقی شاید برای همین تاکید می کند مراکز این سازمان باید برای مراجعه کننده جذاب باشد. او می گوید: «سازمان انتقال خون باید قدرت تبلیغاتی قوی داشته باشد.» به اعتقاد مدیرعامل انتقال خون کشور این سازمان نیازمند معاونت فرهنگی است؛ بازوی قوی فرهنگی و تبلیغاتی. عشقی از برنامه ریزی بر مشارکت های اجتماعی می گوید. او حتی

لیلا مهداد انتقال خون، چهاردهمین پایگاهش را در مازندران افتتاح کرد. هرچند چهار پایگاه به همت خیرین منطقه به افتتاحیه رسیده است. استان مازندران اولین پایگاه انتقال خون را در سال ۵۸ به خود دید؛ مرکز انتقال خون در بیمارستان ولیعصر. پایگاه بعدی در سال ۵۹ در چالوس به همت یک خیر راه اندازی شد. بعد «بابل» و «آمل» و حالا «نور» به همت خیرین صاحب پایگاه انتقال خون شده اند. انتقال خون پدیده ناشناخته ای در مازندران نیست. این استان بعد از تهران، شیراز، خراسان و خوزستان پنجمین مرکز را از آن خود کرد. البته بعد از راه اندازی سازمان انتقال خون در کشور.

سازمان انتقال خون، سازمان حیاتی وزارت بهداشت از منظر پدافند غیرعامل

مدیرعامل انتقال خون از تجربه ۱۰ ساله اش در درمان کودکان سیستان و بلوچستان می گوید. سیستان و بلوچستانی که به باور او یکی از مناطق داغ در زمینه کودکان تالاسمی است. البته مازندران بعد از این استان جایگاه دوم را به خود اختصاص می دهد. به گفته مدیرعامل انتقال خون کشور، خون یک داروی بیولوژیک است. دارویی که جایگزینی برای آن وجود ندارد؛ فرآورده ای انسانی. فرآورده ای که براساس مقررات بین المللی تنها به محدوده مرزهای هر کشور محدود می شود؛ به غیر از خون های نادر. پیمان عشقی کمیت و کیفیت این فرآورده را مربوط به انسان ها می داند. به باور او اگر انسان زندگی سالمی داشته باشد، می تواند خون سالمی اهدا کند. به اعتقاد عشقی میزان اهدای هر جامعه ای به فرهنگ سازی آن کشور برمی گردد. عشقی خون را فرآورده ای حیاتی